

دین داری و الگوی تربیتی خانواده (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)

دکتر یونس نوربخش^۱ قاسم اویسی فردویی^۲*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۰۴

چکیده:

نحوه تعامل والدین با فرزندان می‌تواند بر رفتار فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آنان تأثیر گذار باشد. با چنین پیش فرضی می‌توان گفت نظام تربیتی خانواده بر گرایش‌دینی فرزندان نیز نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت، فرضیه اصلی این است که بین سه الگوی "اقتدار استبدادی"، "آزادگذاری" و "الگوی اقتدار منطقی" مورد نظر دیانا به امرایند (۱۹۷۳)، با میزان دین داری نوجوانان رابطه معنی داری وجود داشته باشد. این تحقیق از دو روش مطالعه اسنادی و میدانی (پیمایشی) سود برده شده است. میزان پایایی پرسش‌ها با احتساب آلفای کرونباخ تعیین شده‌اند، به منظور تکمیل مدل سه گانه تربیتی به امرایند، الگوی چهارمی نیز تحت عنوان "الگوی پذیری" والدین به آن افزوده شده است.

جامعه آماری مورد مطالعه شامل کلیه دانش آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی شهر تهران است. حجم جامعه آماری حدود ۳۲۵۴۰۰ دانش آموز برآورد شد است. اما برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران صورت گرفته است. حجم نمونه آماری با توجه به بالاترین سطح اعتماد و کمترین میزان خطا تعداد ۳۸۴ نفر به دست آمد. جهت انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری چندمرحله‌ای (خوشه‌ای، طبقه‌ای و تصادفی) استفاده شده است و اطلاعات به دست آمده با روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، نتایج نشان می‌دهد که بین الگوهای عملگراییانه و اقتدار منطقی با دینداری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. و بین الگوی آزادگذاری با دینداری جوانان رابطه معنادار اما معکوس مشاهده است. در نهایت بین الگوی استبدادی با دینداری جوانان رابطه معناداری مشاهده نشده است.

واژگان کلیدی:

خانواده، نوجوانان، دینداری، الگوی سه گانه به امرایند، اقتدار استبدادی، اقتدار آزادگذاری، اقتدار منطقی

۱. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران Ynourbakhsh@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه تهران mohamagh@yahoo.com

مقدمه

عوامل مختلفی بر رفتار نوجوانان^۱ تأثیرگذارند، متغیرهای ارثی و ژنتیک^۲، زمینه‌های خانوادگی، گروه دوستان، تأثیر محیط اجتماعی، نهادهای آموزشی و نقش رسانه‌های جمعی، هر یک به نحوی بر نگرش و رفتار افراد تأثیر گذارند. بر خلاف دیدگاه روان‌شناسانکه بر عوامل ارثی و "تفریدی" تأکید دارند، (برای مطالعه بیشتر، آروین جی (۲۰۰۵)). رویکرد جامعه‌شناسی بر عوامل محیطی و "گروهی" متمرکز است، امروزه عوامل اجتماعی و محیطی اهمیت بیشتری پیدا کرده بطوریکه حتی طرفداران رویکرد ژنتیک نیز بر اهمیت عوامل محیطی تأکید کرده‌اند. واقعیت این است که ژن‌ها به شیوه‌هایی غیر مستقیم و پیچیده بر رفتار تأثیر می‌گذارند که مستلزم کسب درون‌دادهایی از فیزیولوژی بدن، محیط، جامعه و فرهنگ است. (هامر و کاپلند ۱۹۹۴).

نهاد خانواده^۳ به عنوان یکی از متغیرهای مهم محیطی و به تعبیر پیر بوردیو^۴ اولین "میدانی" که هر فرد بعد از تولد با آن مواجه می‌شود، در شکل‌گیری شخصیت فرزندان از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است. بوردیو این مسأله را این‌گونه بیان می‌کند که کودکان، پیش از مدرسه و در درون خانواده، درجات گوناگونی از توانایی فرهنگی از جمله اطلاعات و مهارت‌ها را به‌دست می‌آورند. (ادگار، اندرو و سجویک، پیترو: ۱۳۶۸: ۵۴). ماکروزه^۵ و مک کابی^۶ نیز معتقدند خانواده، فرهنگ و مذهب نقش مهمی در احراز هویت نوجوانان ایفا می‌کنند. (ماکروس، ۲۰۰۱) خانواده در عین اینکه کوچکترین واحد اجتماعی است مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ‌تر نیز است. (احمدی، حسن، ۱۳۷۲). مینوچین^۷ خانواده را خاستگاه و کانون شکل‌گیری هویت می‌داند، وی معتقد است هویت متکی بر دو رکن است، یکی "احساس تعلق" و دیگری "تمایز" است. (مینوچین، یالوادر، ۱۳۷۵).

۱. در بسیاری از پژوهش‌ها دوره نوجوانی را به سه دوره تقسیم می‌کنند: نوجوانی اولیه ۱۲-۱۴ سالگی، اواسط نوجوانی (۱۴-۱۶ سالگی) و اواخر نوجوانی (۱۶-۱۹ سالگی). پایان نوجوانی و آغاز بزرگسالی بسته به کشورهای مختلف و نسبت به کاربردش متغیر است.
۲. طبق چارچوب دانش ژنتیک رفتاری نتایج رشد انسانی از طریق فعل و انفعالات بین ژن‌ها و محیط، نظیر خانواده است. اگر چه برخی حامیان نظریه ژنتیک رفتاری تأثیر بیشتر را مدیدن ژن‌ها می‌دانند نه محیط (اسکار، ۱۹۹۲).

3. Family Institution

4. Pierre Bourdieu

5. Macros, J

6. McCabe, M

7. Minuchin

گروتوانت^۱ و کوپر^۲ یاد آور شدند که چگونگی تعامل والدین با فرزندان پیامدهای رفتاری ویژه‌ای را به همراه دارد. (گروتوانت، ۱۹۸۷: ۴۲۸-۴۱۵). یافته‌های پژوهشی نشان داده است که ساختار حاکم بر خانواده در شکل‌گیری هویت انسان دخیل است. (رجبعلی، احمد، ۱۳۸۰). دسون در پژوهش خود به رابطه معنادار بین عملکرد خانواده و دلبستگی بین فردی و هویت دست یافت. (دیسون، ۱۹۹۸: ۴۶۵-۴۷۸). از نظر هورکهایمر^۳ در میان تمام نهادهای اجتماعی که فرد را برای قبول اقتدار، یا دیکتاتوری در سطح جامعه آماده می‌کند، خانواده در مقام اول قرار دارد. (اعزازی، ۱۳۷۶: ۲۰). خانواده با همه اهمیتی که دارد اکنون با چالش‌های زیادی مواجه شده است، یکی از مسائلی که خانواده را مورد تهدید قرار داده است، مسئله "الگوی تربیتی" است. اینکه والدین از چه الگویی برای تربیت نوجوانان خود استفاده می‌کنند؟ و کدام الگوی تربیتی بیشترین کاربرد را دارد؟ از جمله مباحثی است که مقاله پیش رو به آن خواهد پرداخت.

بیان مسئله

موضوع دین و دین داری از نظر اسلام به عنوان یک مسئله فطری و اجتماعی جز لاینفک زندگی بشری بوده است. بدین سبب قرآن کریم به دنبال تعبیر فُطِرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا، فرمود: لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ در آفرینش الهی دگرگونی نیست (طباطبایی، بی‌تا: ج ۱۶، ص ۱۷۹). بیانی که بر فطری بودن دین تأکید دارد، دین از نظر کارکردهای اجتماعی نیز همچنان دارای اهمیت است، بر خلاف این تصور که دین در جوامع مدرن به حاشیه رانده شده است، باید گفت دین نه تنها در این جوامع به حاشیه رانده نشده بلکه از جهت کارکردی تنوع بیشتری پیدا کرده است.

دین اکنون می‌تواند کاربردهای مختلفی در درون و برون از چهارچوب سازمان‌های مذهبی داشته باشد. (بکفورد، ۱۳۸۸: ۱۹۵). دین داری هم دارای کارکردهای درونی و هم بیرونی است از بعد درونی در تحقیقی نشان داده است که افراد مذهبی از لحاظ سلامت روانی نسبت به سایر افراد در سطح بالاتری قرار دارند. (جعفری، ۱۳۸۸: ۱۰۹). بر اساس پژوهشی که

^۱. Grotevant, H.D

^۲. Cooper, C.R

^۳. Max Horkheimer

موسسه بین المللی نظرسنجی گالوپ^۱، انجام داده، پس از ملیت، همچنان مذهب، دومین عامل احساس هویت در جهان به شمار می‌رود.

در بحث دین داریاز بین نهادهای گوناگون، نهاد خانواده^۲ به‌ویژه در جامعه ایران دارای اهمیت است. جامعه شناسان به این نتیجه رسیدند که در مطالعات مربوط به دین داری باید توجه خاصی به خانواده داشت. (توسلی، ۲۲، ۱۳۸۰). خانواده در کنار نهاد دین و دولت از گذشته تا کنون سازنده جامعه ایرانی بوده است. (ارمکی، آزاد، ۱۳۹۲: ۳) با وجود توسعه نهادی از آغاز قرن بیستم این سه نهاد همچنان شکل دهنده ساختار و روابط اجتماعی جامعه ایران هستند، خانواده از قدیم تا عصر حاضر به لحاظ ساختاری و کارکردی اعتبار داشته و همچنان این اعتبار را حفظ کرده است، افراد در این نهاد ضمن حفظ و تداوم نسل وظیفه تربیت فرزندان و مراقبت و حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی را به عهده دارند. (همان: صفحه ۴). از همه مهمتر اینکه اجتماعی کردن نسل آینده جزء بدیهی‌ترین و اساسی‌ترین وظایف خانواده است. (روزن باوم، ۱۹۷۳: ۱۴۹)

عوامل مختلفی در تربیت فرزندان دخیل می‌باشند، به عنوان مثال نحوه رفتار و برخورد پدر و مادر با فرزندان در نخستین سال‌های زندگی تأثیر زیادی بر نهادینه کردن الگوهای فرهنگی از جمله شکل دین داری دارد. بازیگران بر اساس محیط هائی که در آن قرار می‌گیرند، معنی و برداشت خاصی از آن محیط کرده و رفتاری مشابه آن معنی را انجام خواهند داد. (فرزاد و دولابار، ۱۹۹۰: ۹۴) به عنوان مثال مقابله با روحیه استقلال طلبی جوان و سرزنش کردن افراطی او از طرف والدین، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. یکی از پیامدهای ناگوار چنین سرزنشی طغیان علیه ارزش‌های حاکم بر جامعه و گریز جوانان از ارزش‌هاست و چون معمولاً در جوامع دینی منشأ و منبع ارزش‌ها، «دین» است، این مسئله در بسیاری از موارد به دین‌گریزی^۳ می‌انجامد. (شاکر، حمید رضا، ۱۳۸۵، ۲۵۰).

هر خانواده مطابق با باورهای فرهنگی خود به تربیت کودکان خود مبادرت می‌ورزد. (دیوید چیل، ۲۰۳، ۱۸۸). ماکروزه^۴ و مک کابی^۵ نیز معتقدند خانواده، فرهنگ و مذهب نقش

1. Gallup Poll (شرکت گالوپ یک شرکت مشاوره مدیریتی است و به عنوان یک موسسه نظرسنجی جهانی شناخته شده است)

^۲. Family

^۳. Religionversion

^۴. Macros,J

^۵ -McCabe,M

مهمی در احراز هویت نوجوانان ایفا می‌کنند. (ماکروس، ۲۰۰۱)، در اینجا باید گفت گرچه نهادهای مختلف نقش تعاملی داشته و بر هم تأثیر متقابل دارند اما خانواده نقش بنیادی دارد. برخی معتقدند بیشترین نقش خانواده نقش هویت بخشی است و بخش مهمی از این هویت را هویت دینی تشکیل می‌دهد. مینوچین^۱ خانواده را خاستگاه و کانون شکل گیری هویت می‌داند، وی معتقد است هویت متکی بر دو رکن است یکی احساس تعلق و دیگری تمایز است. (مینوچین، یالوادر (۱۳۷۵). یعنی در عین القاء روحیه همبستگی اعضاء هر یک نقش متفاوتی را برای تثبیت نظام کلی خانواده ایفاء می‌کنند. تأثیر تربیتی والدین چنان است که می‌توان شناخت فرزندان را به شناخت خانواده او ارجاع داد. گروتوانت^۲ و کوپر^۳ در سال ۱۹۸۵ یاد آور شدند که چگونگی تعامل والدین با فرزندان پیامدهای رفتاری ویژه‌ای را به همراه دارد. (گروتوانت، ۱۹۸۵: ۴۲۸-۴۱۵). البته نباید تأثیر مذهب بر خانواده را نادیده گرفت. اریکسون بر این باور است که مذهب از طریق نهادهای دینی یا خانواده می‌تواند به نوجوانان در کسب هویت فردی و جمعی یاری رساند و پاسخ گوی پرسش‌های اساسی آنها باشد. (بروس ۲۰۰۱: ۳۹۷-۳۸۵)، مسئولیت پذیری و تعهد اخلاقی و دینی یکی از مهمترین مهارت لازم برای هر انسانی تلقی می‌شود که در این زمینه اهمیت خانواده به عنوان مهمترین نهاد متولی بر کسی پوشیده نیست. (سفیری، ۱۳۹۳: ۲۸۳).

بنابر این خانواده و والدین در دین داری فرزندان نقش مهمی دارند به عنوان نمونه (بالبی، ۱۹۸۳ به نقل از کرین^۴ ۲۰۰۲) معتقد بود که در تعامل بین کودک و مادر فرزند یک مدل درون کاوی^۵ را از تجربیاتش با شخص دلبسته خود شکل می‌دهد. (زرین کلک و برزوکی، ۱۳۹۱: ۳۰۶). بررسی تأثیر خانواده در دین داری جوانان از این جهت قابل تأمل است که به موازات تغییرات شکلی و محتوایی در سبک‌های دین داری، نهاد خانواده نیز در ابعاد مختلف کارکردی دچار تحول و تغییر شده و بسیاری از نقش‌های خود را خواسته و یا نا خواسته به نهادهای دیگر واگذار کرده است. تغییر و تحولات حاصل از "صنعتی شدن" موجب

^۱. Minuchin

^۲. Grotevant, H.D

^۳. Cooper, C.R

^۴. Crain, W.

^۵. internal working model

تغییر شکل خانواده از حالت "گسترده" به "هسته‌ای" و کم رنگ شدن کارکردهای آن گردیده است. در بیشتر موارد خانواده‌های ایرانی نه الزاماً کلیه ویژگی‌های خانواده هسته‌ای مرسوم در غرب را دارد و نه با ویژگی‌های خانواده گسترده تطابق دارند با وجود این شاید بتوان گفت که قالب کلی خانواده ایرانی نزدیکتر به خانواده هسته‌ای است. (عبدی، ۱۳۹۳، ۷۶). یکی از آثار نامطلوب چنین شرایطی تغییر سریع ارزش‌های جامعه، و در نتیجه تفاوت در ارزشهای والدین و فرزندان و کاهش ارتباط و همبستگی میان اعضای خانواده بوده است. تغییر پذیری نسل قدیم سخت‌تر، اما نسل جدید آسان و سریع‌تر تغییر می‌کند. این مساله سبب کاهش کنترل و نفوذ والدین بر فرزندان در جریان جامعه پذیری از جمله گرایش آنان به دیدن دین داری شده است.^۱ در حالی که دین یکی از مهمترین نظام‌های ارزشی جامعه است که برای مانده گاری نیاز به بازتولید آن در نسل‌های بعدی داشته و خانواده از طریق مشروع سازی، عینیت بخشی، نهادمندی ارزش‌ها به باز تولید آن می‌پردازد. (نوربخش، ۱۳۹۲). با این وجود ما در جامعه ایران با الگوی واحدی از خانواده مواجه نیستیم، الگوهایی که هر یک تأثیر خاصی بر از دینداری جوانان برجای می‌گذارد.

در این جا سؤال این است که هر یک از الگوهای سه گانه فرزند پروری (الگوی استبدادی، آزادگذاری و اقتدار منطقی) دینا به امرایند^۲، همچنین الگوی التزام عملی والدین چه تاثیری بر دین داری نوجوانان از خود بر جای می‌گذارند؟

اهداف تحقیق

هدف کلی تحقیق، بررسی و تبیین تأثیر الگوهای تربیتی خانواده بر دین داری نوجوانان است. در این بررسی مقاله اهداف خاص دیگری را نیز به شرح ذیل دنبال می‌کند.

– شناخت بهترین الگوی تربیتی از بین الگوهای چندگانه

– آسیب شناسی الگوهای تربیتی خانوادگی

^۱. اقتباس از مقاله‌ای تحت عنوان بررسی نقش والدین در مسئولیت پذیری جوانان از علی بابایی و صدرالله اسکو (مقاله در دست چاپ).

^۲. دیانا بامریند، (Diana Baumrind) متولد ۱۹۲۷ یک روانشناس رشد و بالینی می‌باشد. دیانا در یک روستای کوچک در نیویورک به دنیا آمد. او به خاطر تحقیق معروفش درباره الگوهای فرزندپروری و همچنین مقاله انتقادی‌اش به نام فریب در تحقیق روانشناختی به ویژه تحقیق میلگرام مشهور است.

- مقایسه الگوهای تربیتی چندگانه

- ارائه پیشنهادات و معرفی الگوی مناسب برای تربیت نوجوانان

ضرورت مسئله

در ادیان مختلف الهی، خانواده از مقدس‌ترین کانون‌های بشری است، نهادی که در آن انسان‌ها در کنار یکدیگر کامل می‌شوند و به رشد و بالندگی می‌رسند، از این‌رو اسلام نیز به والدین سفارش می‌کند فرزندان را از کودکی به نماز و روزه عادت دهید تا تقید به فرایض در بزرگسالی بر آنان دشوار نگردد (وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸)، در نگاه اسلام هم فرد در پناه پیوندهایش با خانواده و تبار خود زندگی می‌کند و با استناد به اجداد خویش هویت می‌یابد. (بهنام، ۱۳۸۳: ۷۸، چیل، ۱۳۸۸: ۶۸).

موضوع خانواده و رابطه آن با دین داری جوانان، اذهان بسیاری از صاحب نظران اجتماعی، رسانه‌های جمعی، محافل مذهبی، و مسئولان سیاسی را به خود مشغول کرده است، مطالعات مقدماتی در این زمینه نشان می‌دهد، دیدگاه‌های گوناگون و گاه‌ها متعارضی در زمینه دینداری جوانان در ایران وجود دارد. سه رویکرد ضعف دینداری که بر کاهش دین داری تاکید دارد^۱، "ادعای بالندگی" که به عنوان رقیب گروه اول بر افزایش دین داری اصرار دارد. اعتقادات دینی بین جوانان در سطح بسیار بالایی قرار داشته و حتی در برخی ابعاد دینداری جوانان روبه افزایش است. (فرجی و کاظمی: ۱۳۸۸) و (نوربخش: ۱۳۹۲)،

در نهایت نظر "تحول در دین داری" که مدعی تکثرگرایی در دین داری است.^۲ به این معنی که دین داری صرفاً به معنی انجام اعمال دینی نیست. به همین جهت برخی مطالعات

^۱. برخی معتقدند، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دینداری جوانان و التزام آنان به دین داری در حال کاهش است. (رحیمی، محمد (۱۳۹۱). بسیاری از روحانیون مذهبی مکرر بر افول دین داری بین جوانان تاکید کرده‌اند (آیت‌الله جنتی، نمازجمعه تهران، ۱۸ تیرماه ۷۸). به دنبال آن عده‌ای دیگر ادعا نموده‌اند که جوانان کشور در اثر کم‌کاری دولت آقای خاتمی است که از دین فاصله گرفته‌اند (آقای ترقی نماینده مجلس پنجم، روزنامه‌ی رسالت، تیرماه ۷۸، برخی از این هم فراتر رفته و بخش زیادی از دانشجویان کشور را بی‌نماز قلمداد نموده (دکتر جاسبی، اجلاس نماز، ۱۳۷۷)، و صریحاً اظهار نموده‌اند که ۷۳ درصد مردم ایران نماز نمی‌خوانند. (حجة الاسلام زم، جراید ۱۵ تیرماه ۱۳۷۹). (طالبان، ۱۳۸۲).

^۲. سبک‌های جدیدی از دین داری جوانان ادعای دیگری است که مطرح شده است. این‌ها معتقدند دینداری حاکم بر جوانان امروزه دینداری سکولاریا همان دینداری مدرن است. (امیر نیک پی، ۱۳۸۲). به‌طور کلی حامیان این دیدگاه با تردید در روندهای محو یا افول دین داری، معتقدند فرایند عرفی شدن تنها به تغییر و انتقال صورت‌های دینی و ظهور آیین‌های جدید و گونه‌های دیگری از دینداری منتهی خواهد شد (شجاعی زند، همان: ۱۶۲-۱۶۱). امروزه ۱- قرائت‌های مختلفی از دین در جوامع شکل گرفته است یعنی انواع مختلفی از دین داری مانند دین داری شخصی، انقلابی، سیاسی، سنتی و ... در جامعه شکل گرفته است. (نوربخش، ۱۳۹۲).^۲ برخی معتقدند تصور تکثرگرایی و تنوع در

نشان داده است که در مقایسه با کشورهای کانادا، امریکا و ترکیه اگر چه جوانان ایرانی خود را مذهبی تر می‌دانند اما نسبت به انجام دادن مناسک دینی رغبت کمتری دارند. (کاظمی پور، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

صرف نظر از اثبات یا عدم اثبات ادعاهایی که مطرح گردید، باید گفت دعوت جوانان به دین و دینداری در هر جامعه‌ای از طریق نهادهای رسمی و غیر رسمی صورت می‌گیرد. شناخت و مطالعه وضعیت نهادهای اشاعه دهنده ارزش‌ها و هنجارهای دینی، می‌تواند نحوه و فرایند دین داری آن جامعه را به ما نشان دهد، همانطور اشاره شد، نهاد خانواده به عنوان نخستین پایگاه تربیتی و فرزند پروری^۱ بر نحوه دین داری جوانان از اهمیت خاصی برخوردار است، والدین به عنوان اولین مربی و الگوهای عملی برای فرزندان دارای اهمیت می‌باشند به حدی که می‌توان گفت شناخت شخصیت و ویژگی‌های هر فرد به شناخت والدین او بستگی زیادی دارد. (ایتنورت^۲، واترز^۳ و وال^۴؛ ۱۹۸۷ نقل از جونز، ۲۰۰۲). بنابر این بررسی و مطالعه تأثیر نوع نظام خانواده بر تربیت دینی فرزندان در جامعه دارای اهمیت و ضرورت است

پیشینه تحقیق

در زمینه خانواده و الگوهای دین داری، تا کنون مطالعات فراوانی در قالب طرح تحقیقاتی، کتاب، مقاله و پایان‌نامه صورت گرفته است. در ادامه ما به برخی از آنها که با مقاله حاضر مرتبط است اشاره می‌کنیم.

- "مقایسه سبکهای فرزند پروری بامریند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام"، عنوان مقاله‌ای است از اعظم پرچم، مریم فاتحی زاده، حمیده اله یاری، (۱۳۹۱)، در بخش نتایج آن آمده است. میان روش‌های تربیتی نظریه بامریند، سبک فرزند پروری آسان گیرانه و غفلت از کودک به عنوان سبک‌های ناسالم از نظر اسلام مطرح شده است و سبک فرزند پروری مسئولانه مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزند پروری است.

دنیای امروز، نمی‌تواند به معنای افول دین و مذهب باشد. زیرا مذاهب و ادیان مختلف در طول تاریخ وجود داشته‌اند و به قولی وجود ۱۲۴ هزار پیامبر در طول تاریخ نشان دهنده توجه همیشگی انسان به معبود و خداوند متعال به انسان بوده و نشان دهنده آن است که هدایت بشر در طول تاریخ است. (جلائی پور، ۱۳۹۳).

^۲ parenting styles

^۳ Ainsworth, M

^۴ Waters, F

^۵ Vall, T

- نجفی، محمود، (۱۳۸۵)، در تحقیقی تحت عنوان "بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت" نشان داده است که بین کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت رابطه معکوس معنادار وجود دارد. بین سازه‌های کارایی خانواده، یعنی نقش‌ها و حل مساله با بحران هویت نیز رابطه معکوس معنادار مشاهده شد. همچنین مشخص گردید که از بین دو عامل دینداری و کارایی خانواده، دینداری، و از بین سازه‌های کارایی خانواده، نقش‌ها و سپس حل مساله، بیش‌ترین تغییرات مربوط به بحران هویت را تبیین می‌کنند. علاوه بر این مشاهده شد که بین دینداری دختران و پسران تفاوت معنادار وجود دارد و دختران نسبت به پسران باورهای مذهبی قوی‌تر دارند.

- نتایج مقاله‌ای با عنوان "همگامی مشترک در خانواده و دین‌داری جوانان شهر یزد" از حاجی زاده، میمن‌دی (۱۳۸۹) نشان داده است که بین متغیر وابسته دین‌داری و متغیر مستقل همگامی مشترک در خانواده رابطه معناداری برقرار است. این رابطه مستقیم و مثبت است به‌طوری‌که با زیاد شدن میزان همگامی مشترک در خانواده، دین‌داری جوانان نیز بالا می‌رود.

- در نتایج مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی تأثیر میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی" (۱۳۶۸)، از محمد باقر حبیبی، حمید رضا حاتمی و علیرضا اکبری آمده است، هر چه بر میزان دینداری فرد افزوده شود، رضایت از زندگی نیز افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر دینداری با رضایت از زندگی رابطه‌ای مستقیم و مثبت دارد. نتایج دیگر اینکه سه بعد اعتقادی و پیامدی و احساسی رابطه قویتری با رضایت از زندگی فرد داشته‌اند. این امر می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی باشد. به طور مثال همان‌طور که جداول توصیفی نشان می‌دهد افراد مورد تحقیق در سه بعد اعتقادی و احساسی و پیامدی نسبت به سایر ابعاد از دینداری قوی‌تری برخوردارند و از آن جا که رضایت از زندگی پاسداران در سطح بالایی قرار دارد این رابطه‌ها، شدت بیشتری به خود می‌گیرند.

- جواد آقا محمدی، (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان" به نتایج زیر اشاره کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از

سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد. نتایج پژوهش رابطه بین ساده زیست بودن والدین با تربیت دینی فرزندان را در سطح قابل قبولی نشان داد. همچنین بین سطح سواد والدین و تربیت دینی فرزندان آنها اختلاف معناداری مشاهده نشده است.

- طرح تحقیقاتی با عنوان، "بررسی الگوهای رایج تربیت دینی و اخلاقی در خانواده و مدارس و میزان انطباقان با الگوهای تربیتی اسلام"، توسط محمد جواد، اخلاقی (۱۳۸۳)، انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ۱۸,۵ درصد دانش آموزان دبیر دینی، ۱۵,۸ درصد ناظم، ۱۲,۴ درصد مدیر و ۹,۸ درصد دانش آموزان مربی پرورشی را موثرترین فرد در مدرسه در جهت تربیت دینی عنوان نموده‌اند. در حالی که تأثیرگذارترین افراد در مدرسه در جهت تربیت دینی دانش آموزان سایر دبیران را با فراوانی ۴۳,۲ درصد بیان کرده‌اند.

- طرحی تحت عنوان، "بررسی ارتباط بین الگوهای تربیتی خانواده با اعتیاد"، فرشته نوری (مجری) و همکاران داوود بهزاد و ثریا محمدی (۱۳۸۴)، نتایج نشان داده است که اولاً: فرزندان معتاد دیگانشان نسبت به فرزند پروری والدین ناسالم و از نوع بی اعتنا بوده است ثانیاً: ارتباط معناداری بین سبک زندگی فرزند پروری پدران که آر نوع مستبدانه بودند با سبک فرزند پروری پاسخگویان گروه آزمایش به دست آمد ثالثاً: سبک فرزند پروری گروه پدران و مادران به‌طور معنی داری با یکدیگر نا هماهنگ بود.

به‌طور کلی نتایج تحقیقات و مطالعات پیشین نشان می‌دهند که نهاد خانواده به عنوان اولین مکانی که هر فرد در آن متولد شده و شخصیت و هویت او در آن شکل می‌گیرد در تربیت افراد تأثیر بسزایی دارد. هر یک از مطالعات پیشین به بخشی از واقعیت اشاره کرده‌اند. مقاله حاضر با اتخاذ روش پیمایشی و افزودن متغیر دیگری تحت عنوان الگوی عملی والدین به الگوی سه گانه تربیتی بامریند از اهمیت خاصی برخوردار است، تمرکز بر مقولات و مفاهیم بومی و ابعاد کاربردی مقاله از امتیازات دیگر تحقیق حاضر است.

بحث نظری

اهمیت مطالعه در زمینه خانواده از نگاه صاحب نظران مختلف دور نمانده است، فیلسوفان، مورخان، جامعه شناسان، روان شناسان و حقوق دانان به تأمل در شکل گیری، فرایندهای درونی نظام خانواده پرداخته‌اند. (عبدی، ۱۳۹۳، ۱۲). به همین منظور در زمینه تأثیر خانواده بر

رشد و تربیت فرزندان و روابط متقابل بین والدین با فرزندان مطالعات فراوانی صورت گرفته است، نظراتی چون "رویکرد زمینه‌ای"^۱ که رشد را چند سطحی می‌داند. (لرنر، ۲۰۰۲)، "نظریه سیستمی"^۲ که بر اساس این پیش فرض استوار است که نه تنها والدین بلکه فرزندان نیز بر رفتار والدین تأثیر گذارند. (کاکس و پالی، ۲۰۰۳) نظریه "ژنتیک رفتاری"^۳ رشد انسانی را متأثر از فعل و انفعالات بین ژن‌ها و محیط، نظیر خانواده می‌داند و در نهایت نظریه یادگیری که چارچوب کلی دیگری را برای مطالعه رشد کودک در خانواده ارائه می‌کند و تأکید آن بر فرایند یادگیری است. عده‌ای نیز با رویکرد تلفیقی عوامل تربیتی را چندگانه دانستند که صاحب نظران هر کدام از منظری خاص به این موضوع نگریسته‌اند.

جامعه شناسان، نیز خانواده را نه به مثابه یک مورد و نه به عنوان یک مقوله صرفاً تاریخی، بلکه به مثابه یک نهادی اجتماعی می‌بینند، نهادی که در حال پویایی است. (همان، ۱۳۹۳). در این رویکرد خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی عاملی مهم در انتقال ارزش‌ها، تربیت نسلی و در نهایت تضمین کننده جامعه‌ای سالم و متعادل است، نظریه‌های تکاملی، مبادله، تقابل، کنش متقابل نمادین^۴ و کارکردی از جمله رویکردهایی حوزه جامعه شناسی خانواده می‌باشند که هر یک از نگاه خاصی نهاد خانواده را مورد مطالعه قرار دادند اما یکی از نیرومندترین کارها در زمینه طیف بندی و ساختار خانواده و نقش این طیف‌ها بر تربیت فرزندان، مطالعه‌ای است که توسط بامریند در سال (۱۹۶۰)^۵ انجام داده است. علاوه بر بامریند پژوهشگران دیگری نیز برای توصیف سبک‌های فرزند پروری تیپ لوژی داشته‌اند. (سیموند (۱۹۳۹) بر پذیرش / طرد، مسلط / مطیع و شافر (۱۹۵۹) بر عشق / خصومت و اختیار / کنترل، بیکر (۱۹۶۴) بر گرمی / خصومت و محدود بودن / آسان گیر بودن را از سبک‌های فرزند پروری دانسته‌اند (احمدی، ۱۳۸۸). با وجود اینکه نظر به امرایند یک تئوری روانشناختی و رفتاری است اما با جامعیتی که در آن ملاحظه می‌شود، می‌تواند الگوی خوبی برای طراحی

^۱. The underlying approach

^۲. Systems Theory

^۳. Behavioral genetics

^۴. اساس این نظریه این است که استعداد انسانی بر خلاف دیگر حیوانات این است که او استعداد اجتماعی شدن را دارد و با محوریت نقش به خانواده به عنوان نظامی از نقشها توجه می‌کند. (آزاد، ۱۳۹۰، ۲۶).

۱- در اوایل دهه ۱۹۶۰ دایانا بامریند پژوهشی را با استفاده از مشاهده طبیعی، مصاحبه با والدین و سایر شیوه‌های پژوهش بر بیش از ۱۰۰ کودک سن مدرسه اجرا کرد.

سؤالات و همچنین چهارچوب نظری مقاله حاضر باشد. استنباط بامریند از شیوه فرزند پروری بر رویکرد تیپ شناسی بنا شده است که بر ترکیب اعمال فرزند پروری متفاوت متمرکز است. فرزند پروری به روش‌ها و رفتارهای ویژه گفته می‌شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است. (بامریند، ۱۹۹۱).

به امریند معتقد است فرزندان باید شایستگی‌های متعدد اجتماعی و شناختی را کسب کنند، بنابر این لازم است والدین فرصت‌های یادگیری / انگیزشی مناسب نظارت و حمایت را برای آنها فراهم کنند این جنبه از نقش والدین محور اصلی مدل به امریند در ایفای مقتدرانه نقش والدین محسوب می‌شود. همانطور که استقلال و خود مختاری در بزرگسالی یکی از هدف‌های رشد بزرگسالی است، پذیرش خودمختاری توسط والدین بخش مرکزی مدل بازسازی شده بامریند توسط اشتینبرگ است. (ورن. بنگستون. آلن اس ۱۳۹۳). او معتقد است که شیوه‌های فرزند پروری از دو بعد تشکیل شده است ۱- درخواست کنندگی والدین (کنترل) و پاسخ دهنده‌گی والدین (گرمی یا پذیرش) بامریند از ترکیب این دو عنصر سه شیوه فرزند پروری یعنی، الگوی "خانواده استبدادی"، "خانواده ازاد" و "خانواده مقتدرانه" به وجود آورد. در مدل والدینی مقتدرانه پاسخگویی والدینی و خواسته‌های والدینی کم و بیش مستقل از یکدیگر محسوب می‌شوند (Baumirind, 1973). اهمیت دیگر کار به امریند برای ما این است که الگوی مد نظر او امکان مفهومی کردن متغیرها را نیز برای ما فراهم می‌سازد. در ادامه لازم است توضیح مختصری در خصوص الگوهای مطرح شده ارائه شود.

۱- **الگوی خانواده استبدادی**^۲ - (درخواست کنندگی بالا و پاسخ دهنده‌گی پایین). فرزند پروری مستبدانه، با مهارگری شدید، سطوح بالای جدیت، انضباط بی ثبات و سخت گیرانه و سطوح نسبتاً پایینی از صمیمیت عاطفی مشخص می‌شود. (دیاز^۳، ۲۰۰۵). این والدین مایل نیستند رفتارهای استقلال طلبانه فرزندان را تشویق کنند. والدین مستبد سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می‌کنند، آنها از فرزندان خود انتظار اطاعت داشته و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی فرزندان خود را تنبیه می‌کنند. (صیاد شیرازی، ۱۳۸۳). این والدین پیروی کردن و کنترل را مورد تأکید قرار می‌دهند، در حالی که بده بستان کلامی

^۱. Authoritative family

^۲. Authoritarian

^۳. Diaz

خودمختاری و استقلال را منع می‌کنند. (گوپلان^۱، ۲۰۰۹). والدین از فرزندان خود انتظارات بالا داشته و هیچ گاه وضعیت سنی و جنسیتی آنها را در نظر نمی‌گیرند. (بامریند، ۱۹۹۱). در این روش پرورشی، نسلی خشمگین، نگران و مضطرب، ترسو و افسرده و در یک کلام سرشار از احساس گناه و مبتلا به انواع آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. روشی که بی‌محبتی، سرزنش، انتقاد و سخت‌گیری استوار است. در این خانواده‌ها دستورات صادر می‌شوند، بدون آنکه هیچ توضیح، توجیه یا دلیلی برایشان مطرح شود. حسادت، انتقام، خودخواهی، خشونت، عصبانیت از جمله پیامدهای چنین الگویی است. طبیعتاً چنین خانواده‌هایی در تربیت دینی فرزندان خود نیز بسیار سخت‌گیر و به شدت آمرانه عمل می‌کنند. دین داری فرزندان در چنین فضایی متأثر از ترس و تنها برای جلب رضایت والدین است.

۲- الگوی خانواده رهایی و آزادگذاری^۲ - (درخواست‌کنندگی پایین. پاسخ‌دهندگی بالا). فرزند پروری آزادگذاری، با کمبود مهار والدین به گونه‌ای که اعمال قدرت والدین روی رفتار کودک با شکست مواجه می‌شود. (رینالدی و هاو^۳، ۲۰۱۱). والدین سهل‌گیر قاعده تا هیچ گونه کنترلی بر روی کودکان خود ندارند و این کودکان کمترین میزان اعتماد به نفس کنجکاوی و خود کنترلی را در هر گروهی از خود نشان می‌دهند و برای آنها کنترل و تشخیص ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها مشکل است. (برنشتاین^۴، ۲۰۰۲: کوریدو، وارنر و ایبرگ^۵، ۲۰۰۲).

این والدین نسبت به رفتار کودک گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند. (هیل استروم^۶، ۲۰۰۹). همچنین در عین بردباری پذیرش و گرمی خواسته‌های اندک یا هیچ خواسته‌ای در مورد رفتار یا خودتنظیمی ندارند. (گوپلان، ۲۰۰۹). در مواردی رفتاری پذیرنده دارند و در پاره‌ای اوقات در مقابل اصول نسبتاً منفعل هستند. والدین این گروه اطلاعات کمی در زمینه‌های مختلف از فرزندانشان دارند. آزادی عمل، بی‌احترامی به والدین، خود برترینی، بی‌بند و باری، لاپالی‌گری، سهل‌انگاری، خودخواهی و بی‌هدف از خصوصیات آن است. دین داری در چنین الگویی از آنجا که با هیچ آموزش و کنترلی برخوردار نیست کودکان را

4. Gopian

۲. permissive

۳. Rinaldi & Howe

۴. Bornstein

۵. Corido & etal.

۶. Hillstrom

به‌سوی بی تفاوتی و سهل انگاری در تربیت دینی هدایت می‌کند و اگر فرزندی در چنین خانواده‌هایی مقید به آموزه‌های دینی باشند می‌توان آن را یک استثناء دانست. والدین سهل انگار چون هیچ کنترل بیرونی بر فرزندان خود ندارند و اجازه می‌دهند هر کاری که تمایل دارند انجام دهند فرزندان‌شان بیشتر در معرض رفتارهای تکانشی و ضد اجتماعی قرار گیرند. (به نقل از حجازی، الهه، ۱۳۸۷).

۳- **الگوی خانواده اقتدار منطقی**^۱ (درخواست کنندگی بالا و پاسخ دهندگی بالا). فرزند پروری مقتدرانه با ترکیبی از مهارگری و حمایت عاطفی بالا سطوح مناسبی از استقلال و ارتباطات دو سویه میان کودک و والد مشخص می‌کنند. (رینالدی و هاو^۲، ۲۰۱۱). این والدین کودکان‌شان را به‌وسیله ابراز کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند، آنها از کودکان‌شان با محبت و روابط نزدیک مراقبت می‌کنند و انتظارات‌شان با توانایی کودکان‌شان تناسب دارد. (اندر و گولای^۳، ۲۰۰۹).

در این الگو محبت در کنار قاطعیت اعمال می‌شود. در خانواده‌های مقتدر، خواسته‌های والدین با اهدافی مشخص و آگاهانه تعیین شده و آنها دلایل رفتارها و مطالبات‌شان را به کودک توضیح می‌دهند. در زمینه دین داری نیز چنین والدینی با توجیه و توضیح فواید و کارکردهای دین داری و بیان اثرات بی تفاوتی نسبت به اعمال دینی کودکان خود را با روشی منطقی و مستدل با شناختی بهتر به دین داری تشویق می‌کنند آنها نظرات فرزندان‌شان را مد نظر قرار دهند حتی اگر به آن عمل نکنند. فرزندان در چنین خانواده‌هایی از اعتماد به نفس بالا، استقلال بالا، متین، غیر هیجانی برخوردارند. والدین با شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی بیشتر فرزندان‌شان را بهنجار دارند که مستقل بوده و برای رفتارهای خود اندیشه می‌کنند. (سجادی، مژگان، سربایان، و شریفی، ۱۳۹۲).

از آنجا که موضوع مقاله حاضر خانواده و نقش آن در دین داری جوانان است به نظر می‌رسد با افزودن متغیر دیگری که بتوان از طریق آن تأثیر رفتار عملی والدین بر دین داری جوانان را مورد سنجش قرار داد ضروری به نظر می‌رسد به این منظور مقاله حاضر با افزودن

^۱. Authoritative

^۲. Rinaldi&Howe

^۳. Onder&Gulay

الگوی دیگری تحت عنوان الگوی "التزام عملی والدین"، در صدد تکمیل الگوهای سه گانه مورد نظر بامریند و سنجش بهتر دین داری بر آمده است.

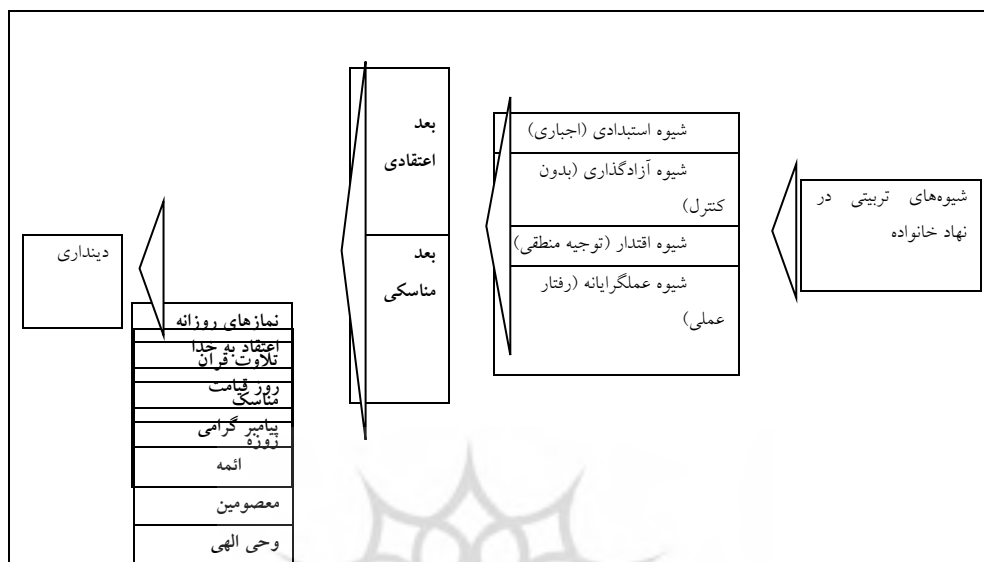
۴- الگوی خانواده عملگرایانه (التزام عملی) در این الگو والدین با اقدام عملی خود در انجام امور دینی فرزندان را به انجام امور دینی تشویق می‌کنند. متون دینی و توصیه‌های اخلاقی زیادی بر التزام عملی والدین به آنها باعث تقویت و تربیت و استحکام خانواده می‌شود. "یونگ" معتقد است: در مرحله کودکی، آنچه ممکن است شخصیت کودک خوانده شود، چیزی نیست مگر انعکاس شخصیت والدین او، آنها می‌توانند تأثیر زیادی در شکل‌گیری ویژگی‌های کودک و فرزند خود داشته باشند. اریک اریکسون (۱۹۹۴). به نظر نویسنده در این الگوی رفتاری، دین داری و پایبندی به ارزش‌ها از طریق "یادگیری"^۲، "مشروعیت بخشی" و "تقلید" در فرزندان نهادینه می‌شود. بنابراین مسئولیت کامل یادگیریهای اولیه کودک بر عهده والدین است در خصوص تقلید نیز کودک قبل از سن هشت سالگی (و حتی پس از هشت سالگی) اکثراً از طریق تقلید یاد می‌گیرد کودک رفتار و گفتار هر فردی را تقلید نمی‌کند بلکه ابتدا باید رابطه عشق و محبت بین کودک و دیگری به وجود آید تا او خود را با شخص مقابل یکی بداند تا رفتار او را تقلید کند (صانعی، ۱۳۴۴، ۳۲).

مدل نظری

^۱. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرمایند: «كُونُوا دُعَاهِي لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السَّيِّئَاتِ»؛ (۲۱) یعنی مردم را با روشی غیر زیان‌ناک، به سوی خدا بخوانید. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۴۶

^۲. Learning

^۳. Primary learnings



فرضیه‌ها^۱

- به نظر می‌رسد بین انواع الگوهای چهارگانه تربیتی خانواده و دین داری نو جوانان رابطه معنی داری وجود داشته باشد.
- بین دین داری فرزندان و الگوی استبدادی رابطه معنی دار اما معکوس وجود دارد.
- بین دین داری فرزندان و الگوی آزادگذاری نیز رابطه معنی دار اما معکوس وجود دارد
- احتمالاً بین دین داری فرزندان و اقتدار منطقی رابطه معنی دار و مستقیم باشد
- در نهایت اینکه به نظر می‌رسد بین رفتار دینی والدین و فرزندان شان رابطه مستقیم وجود دارد.

روش تحقیق

¹. Hypothesis

مطالعه حاضر از نوع مطالعات پیمایشی است که با هدف بررسی نقش و عملکردهای خانواده (والدین) (به عنوان متغیر مستقل)^۱ بر دین داری جوانان (متغیر وابسته)^۲ صورت گرفته است، جامعه آماری متشکل از کلیه دانش آموزان دبیرستانهای دولتی شهر تهران می باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق شامل کلیه دانش آموزان دوره متوسطه مدارس دولتی شهر تهران است که حدود ۳۲۵۴۰۰ دانش آموز است. برآورد حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران صورت گرفته است که حجم نمونه کل با توجه به بالاترین سطح اعتماد و کمترین میزان خطا تعداد ۳۸۴ نفر است..

$$n = \frac{N.t^2.p.q}{N.d^2+t^2.p.q}$$

$N^3 = ۳۲۵۴۰۰$ = تعداد کل جامعه آماری

بدین ترتیب، برطبق فرمول کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه به دست آمد، اما جهت دقت بیشتر ۴۰۰ پرسشنامه از دانش آموزان تکمیل شد. در مورد شیوه نمونه گیری باید گفت که با استفاده از شیوه های نمونه گیری چندمرحله ای (خوشه ای، مطبق و تصادفی) استفاده شد. بدین صورت که برای انتخاب مناطق از شیوه نمونه گیری خوشه ای استفاده شد، لذا شهر تهران به چهار قسمت شمال، جنوب، شرق و غرب تقسیم شد و به تفکیک هر منطقه، مدارس در داخل آن به صورت تصادفی انتخاب شدند و در داخل هر مدرسه هر پایه تحصیلی به عنوان یک طبقه (بر طبق نمونه گیری مطبق) در نظر گرفته شد و با استفاده از اصل نسبت در داخل هر طبقه، افراد نمونه (دانش آموزان) مشخص و به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. نمونه مورد بررسی ۴۰۰ نفر شامل ۲۰۰ پسر و ۲۰۰ دختر است. که به صورت تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده اند. اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته که از مقیاس شیوه های فرزند پروری (شیوه استبدادی، آزادگذاری و اقتدار منطقی) بامریند و الگوی عملگرایی بر اساس متغیرهای مستقل و وابسته به دست آمده است. اطلاعات به دست آمده با روش آمار توصیفی^۴ و استنباطی^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

^۱. Independent variable

^۲. Dependent variable

^۳. Total population

^۴. descriptive

پرسشنامه شامل ۴۰ سؤال می‌باشد، ۱۰ سؤال مربوط به مشخصات فردی و ۳۰ سؤال اصلی است که برای هر کدام از شیوه‌های استبدادی، شیوه آزادگذاری و اقتدار منطقی ۵ سؤال طراحی شده است، الگوی عملگرایانه نیز با ۵ سؤال مورد پرسش قرار گرفته است. در نهایت ۱۰ سؤال نیز به دین داری جوانان اختصاص داده شده است.

شاخص‌های دین داری

. موضوع دین داری مفهومی بسیار پیچیده است به همین جهت شاخص سازی در این خصوص بسیار دشوار است، کنت به ابعاد سه گانه دین یعنی "عقاید"، "عواطف" و "عمل" بر حسب ابعاد سه گانه وجودی انسان اشاره کرده است (آرون ۱۱۶۱۳۷۰). واخ با افزودن بعد "معاشرت" به آن یعنی "عقیدتی" و "مناسکی" به الگوی سه گانه دین داری اذعان کرده است (واش ۱۹۵۱). "گلارک" و "استارک" با جمع بندی تعاریف پارسونز و ییگر و ناتینگام و ویلیامز از دین تعریفی ارائه کرده‌اند که حاوی ابعاد "نمادی"، "اعتقادی"، "ارزشی" و "رفتاری" می‌باشد (گلارک و استارک، ۱۹۶۵، ۴). "اسمارت" این ابعاد را به هفت بعد "عقیدتی"، "تجربه دینی"، "مناسکی"، "سازمانی"، "اخلاقی"، "اسطوره‌ای" و "مادی" رسانده است.

دورکیم و انسان‌شناسان نشان داده‌اند، که دو بعد «اعتقادات» و «اعمال و مناسک» در هر دین و مذهبی وجود دارد و هسته مشترک کلیه ادیان محسوب می‌شود (طالبان، ۱۳۸۲) بسیاری از دانشمندان دیگر علوم اجتماعی، دین داری یا تعلق مذهبی را واجد دو بعد اساسی «اعتقادات» و «اعمال و مناسک» در نظر گرفتند (رونز، ص ۶۰ و کمال المنوفی، ص ۲۰)، وبر نیز معتقد است تعریف ذات دین غیر ممکن است و کنت نیز جستجوی ذوات^۲ را پیشه مابعد الطبیعه می‌دانست نه علم. (تامسون، ۱۳۸۷، ۲۹).

از آنجا که برای سنجش دقیق‌تر دین داری بیش از آنکه به تعریف ذات و ماهیت دین نیازمند باشیم، توجه به تجلیات و رفتار بیرونی دین ضرورت بیشتری احساس می‌شود و همانطور که اشاره شد صاحب نظران بسیاری بر این بعد از دین داری تاکید کردند، در این مطالعه از مدل "گلارک" استفاده شده است، بر اساس مدل گلارک که معتقد است با وجود

^۱. inferential

^۲. essences

تفاوت‌هایی که در ادیان مختلف مشاهده می‌شود، وجوه مشترکی بین همه ادیان وجود دارد و دین داری را به ابعادی چون: اعتقادی، مناسکی، پیامدی و عاطفی تقسیم کرده است. (ویلیم، ژان پل ۱۷۷). در مقاله حاضر از بین ابعاد چهارگانه گلارک تنها دو بعد "اعتقادی" و "مناسکی" که مطابق اصل سنجش پذیری، امکان سنجش دقیق‌تر و عینی‌تری را فراهم می‌سازد استفاده شده است به همین جهت در زمینه "اعتقادات"، نیز بر اساس همین مدل ۱- اعتقاد به خدا، ۲- روز قیامت، ۳- پیامبر اسلام (ص) ۴- ائمه معصومین ۵- وحی، و از میان معرف‌های "بعد مناسکی یا رفتاری" ۱- نمازهای روزانه، ۲- نماز جمعه، ۳- روزه، ۴- تلاوت قرآن، ۵- شرکت در مراسم دعا و نیایش استخراج شده است. و در خصوص شاخص‌های مربوط به الگوهای رفتاری والدین از الگوی سه گانه بامریند استفاده شده است.

به منظور اعتبار و پایایی از روش اعتبار محتوا استفاده شده و مقیاس‌های طراحی شده در معرض اظهار نظر و داوری اساتید مربوطه قرار گرفته و اصلاحات لازمدر آن انجام گرفت.

دراین مطالعه، جهت تعیین میزان اعتبار ابزار اندازه‌گیری، از اعتبار صوری (محتوایی) استفاده شد که در این روش از مشاوره و مصاحبه با اساتید و صاحب‌نظران آگاه به موضوع بهره گرفته شد. پایایی یا قابلیت اعتماد با تکیه بر تعمیم‌پذیری نتایج، به این امر اشاره دارد که چنانچه همان ابزار اندازه‌گیری در موقعیت‌ها و با پاسخگویان مشابه تکرار شود، نتایج مشابهی دارد یا خیر. لذا جهت تعیین میزان قابلیت اعتماد، و به عبارتی دقیق‌تر همسازی درونی گویه‌ها جهت سنجش مفاهیم (و متغیرهای ترکیبی)، بعد از تکمیل ۲۰ پرسشنامه به‌عنوان پیش‌آزمون^۲ از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب پایایی کل طیف به دست آمده برای هر یک از مفاهیم در حد قابل قبول (بالای ۰/۷۴) می‌باشد و این موضوع نشان دهنده همبستگی درونی بین متغیرها برای سنجش مفاهیم مورد نظر می‌باشد و بدین ترتیب می‌توان گفت که تحقیق ما از قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم برخوردار می‌باشد

جدول ۱: محاسبه آلفای مقیاس‌های اصلی تحقیق

مقیاس	آلفای کرونباخ
الگوی اقتدار منطقی	۰,۸۳۲
الگوی عملگرایانه	۰,۷۹۵

^۱. توکویل معتقد است اعتقادات مذهبی نوعی انضباط اخلاقی در افراد به وجود می‌آورد و در جامعه‌ای که انسجامان مورد تهدید است باعث همبستگی شود. (قاسمی، وحید ۱۳۹۰).

^۲. Pre-test

الگوی استبدادی	۰,۷۵۴
الگوی رهایی و آزادگذاری	۰,۷۴۳
دینداری	۰,۸۶۰

یافته‌های تحقیق

سیمای آماری پاسخگویان

محل سکونت: نسبت پاسخگویان در چهار منطقه مورد مطالعه این تحقیق برابر (۲۵ درصد) بوده است.

سن: ۴۹,۸ درصد پاسخگویان در گروه سنی زیر ۱۴ تا ۱۶ سال، ۴۸,۸ درصد در گروه سنی ۱۷ تا ۱۹ سال و ۱,۵ درصد در گروه سنی بالای ۲۰ سال به واقع شده‌اند.

جنس: نسبت پاسخگویان مرد و زن در این تحقیق برابر (۵۰ درصد) بوده است.

رشته تحصیلی: پاسخگویان از رشته‌های مختلف علوم انسانی، تجربی و ریاضی انتخاب شده‌اند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر محل سکونت، سن، جنس و رشته تحصیلی

متغیر	فراوانی (F)	درصد (%)
منطقه محل سکونت	منطقه ۴ (شمال شرق)	۲۵
	منطقه ۵ (شمال غرب)	۲۵
	منطقه ۱۵ (جنوب شرق)	۲۵
	منطقه ۱۸ (جنوب غرب)	۲۵
سن	۱۴-۱۶ سال	۴۹,۸
	۱۷-۱۹ سال	۴۸,۸
	۲۰ سال به بالا	۱,۵
	دختر	۵۰
جنس	پسر	۵۰
	ریاضی فیزیک	۳۷,۵
رشته تحصیلی	علوم تجربی	۳۶
	علوم انسانی	۲۶,۵
	کل	۱۰۰

میزان دینداری

میزان دینداری ۲۳ درصد از پاسخگویان در حد پایین و در مقابل ۵۴ درصد در حد بالایی قرار دارند البته میزان دینداری ۲۳ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی شده است با توجه به دامنه تغییرات شاخص دینداری (۶۰-۱۰) و میانگین به دست آمده (۴۹-۴۳) باید گفت میزان دینداری دانش آموزان در حد بالایی قرار دارد.

جدول (۳) توزیع فراوانی شاخص دینداری

شرح	فراوانی	درصد
پایین	۹۲	۲۳
متوسط	۹۴	۲۳/۵
بالا	۲۱۴	۵۳/۵
جمع	۴۰۰	۱۰۰
شاخص آماری	۴۹ و ۴۳=میانگین	۱۰=کمترین
جمع	۷۵ و ۸=انحراف معیار	۶۰=بیشترین

الگوهای تربیتی خانواده

نتایج توصیفی شاخص‌های تحقیق حاکی از این است که حاکمیت الگوهای اقتدار منطقی و عملگرایانه در خانواده بیشتر از دو الگوی استبدادی و رهایی می‌باشد به طوری که میزان الگوی اقتدار منطقی در خانواده‌ی (۵۸,۳٪) و میزان الگوی عملگرایانه در خانواده‌ی (۴۱,۳٪) در حد زیادی ارزیابی شده است. اما میزان الگوی استبدادی و رهایی به ترتیب در خانواده ۲۶,۳٪ و ۲۰,۳٪ از نو جوانان در حد زیادی ارزیابی شده است. شاخص دینداری نو جوانان یکی دیگر از شاخص‌های مطالعه شده و متغیر وابسته این پژوهش است که در ۵۳,۵٪ درصد از جوانان جمعیت مورد مطالعه در حد بالایی قرار دارد. جدول توزیع نسبی و شاخص‌های آماری میزان دینداری نو جوانان موید این است که میزان دینداری نیز در بین پاسخگویان در حد بالایی است.

جدول (۴) میزان دینداری نو جوانان بر حسب انواع خانواده

ردیف	شاخص	کم	متوسط	زیاد	کل	M (میانگین)	SD (انحراف معیار)
۱	خانواده	۸۱	۸۶	۲۳۳	۴۰۰	۲۱,۹۰	۴,۷۵

	اقتدار منطقی	درصد	۲۰,۳	۲۱,۵	۵۸,۳	۱۰۰	۱(۵-۳۰)
۲	خانواده عملگرا	فراوانی	۹۹	۱۳۶	۱۶۵	۴۰۰	۲۰,۹۰
		درصد	۲۴,۸	۳۴	۴۱,۳	۱۰۰	(۵-۳۰)
۳	خانواده استبدادی	فراوانی	۱۷۳	۱۲۲	۱۰۵	۴۰۰	۱۸,۲۹
		درصد	۴۳,۳	۳۰,۵	۲۶,۳	۱۰۰	(۵-۳۰)
۴	خانواده رهایی و آزادگذار	فراوانی	۲۶۵	۵۴	۸۱	۴۰۰	۱۴,۸۳
		درصد	۶۶,۳	۱۳,۵	۲۰,۳	۱۰۰	(۵-۳۰)
۵	دینداری	فراوانی	۹۲	۹۴	۳۱۴	۴۰۰	۴۳,۴۹
		درصد	۲۳	۲۳,۵	۵۳,۵	۱۰۰	(۱۰-۶۰)

یافته‌های استنباطی (آزمون فرضیات)

الف) بررسی رابطه بین انواع الگوهای تربیتی و دینداری نوجوانان

جدول شماره ۳ نتایج حاصل از بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل (الگوهای چهارگانه فرزندپروری خانواده‌ها) با متغیر وابسته (دینداری نوجوانان) را به کمک ضریب همبستگی پیرسون با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم (کمی بودن مقیاس متغیرها، نرمال بودن توزیع داده‌ها و خطی بودن رابطه بین متغیرها) سنجیده است. ضرایب همبستگی مندرج در این جدول حاکی است که بین الگوهای اقتدار منطقی و عملگرایانه با دینداری جوانان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. به این ترتیب می‌توان گفت با افزایش حاکمیت الگوهای اقتدار منطقی و عملگرایانه در خانواده‌ها، میزان دینداری نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. اما بین الگوی رهایی و آزادگذاری با دینداری جوانان رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. به این ترتیب می‌توان گفت در خانواده‌های با الگوی رهایی و آزادگذاری، میزان دینداری جوانان کاهش می‌یابد.

۱. به منظور سنجش الگوی خانواده اقتدارگرا ۵ سؤال در قالب طیف لیکرت ۶ درجه‌ای تنظیم شده بود به همین خاطر دامنه تغییرات این شاخص بین ۵ تا ۳۰ می‌باشد. دامنه تغییرات سایر شاخص‌ها نیز در جدول آمده است

لازم به ذکر است در این پژوهش بین الگوی استبدادی با دینداری جوانان رابطه معناداری مشاهده نشد.

جدول (۵): بررسی رابطه الگوهای چهارگانه با دینداری فرزندان

ردیف	فرضیه	ضریب همبستگی پیرسون
۱	بررسی رابطه بین الگوی خانواده اقتدار منطقی با دینداری جوانان	۰,۵۴۰**
۲	بررسی رابطه بین الگوی خانواده عملگرایانه با دینداری جوانان	۰,۷۶۰**
۳	بررسی رابطه بین الگوی خانواده استبدادی با دینداری جوانان	-۰,۰۴۰
۴	بررسی رابطه بین الگوی خانواده رهایی و آزادگذاری با دینداری جوانان	-۰,۲۵۸**

**معنادار در سطح ۰,۰۱

ب) مقایسه دینداری جوانان در خانواده‌های با الگوهای مختلف فرزند پروری

جهت تست فرضیات دوم تا چهارم و با در نظر گرفتن ملاحظات آماری لازم با توجه به اینکه فرضیات از نوع مقایسه‌ای بودند و گویه‌ها بعد از ترکیب در قالب مقیاس فاصله‌ای درآمدند و از توزیع نرمال برخوردار گشتند، لذا از آزمون تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه بین ۴ نوع خانواده استفاده شده است که نتایج آن به قرار زیر است.

جدول ۶: مقایسه میانگین دینداری جوانان به تفکیک الگوهای فرزندپروری

شاخص	منبع تغییرات	مجموع مجذور	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	Sig
دینداری	بین گروهی	۷۷۴۶,۴۶۶	۳	۲۵۸۸,۱۵۵	۴۴,۸۸۲	۰,۰۰۱
	درون گروهی	۲۲۸۳۵,۵۱۱	۳۹۶	۵۷,۶۶۵		
	کل	۳۰۵۹۹,۹۷۸	۳۹۹			

نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می‌دهد که بین میزان دینداری جوانان در خانواده‌های با الگوهای مختلف فرزندپروری تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ($F = 44.882$, $P < 0.01$). لذا به کمک "آزمون توکی" (که یک آزمون دقیقی برای مقایسه میانگین‌ها می‌باشد)

به مقایسه میانگین جفتی الگوهای ۴ گانه بر حسب میزان دینداری جوانان پرداخته شد تا مشخص شود که تفاوت موجود بین کدامیک از دو الگوی می‌باشد. لذا نتایج حاصل از آزمون توکی به شرح جدول زیر است؛

جدول (۷): آزمون توکی برای مقایسه گروه‌ها

شاخص	الگو	مقایسه میانگین با آلفا = ۰,۰۵			
		۱	۲	۳	۴
دینداری	رهایی و آزاد گذاری	۳۰,۱۱			
	استبدادی		۳۸,۳۷		
	اقتدار منطقی			۴۳,۶۲	
	عملگرایانه				۴۸,۳۹
	سطح معنی‌داری	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰

نتایج حاصل از آزمون توکی گویای این است که دینداری فرزندان در خانواده‌های با الگوی رهایی و آزادگذاری (با میانگین ۳۰,۱۱) نسبت به سه الگوی دیگر ضعیف‌تر می‌باشد و در مقابل دینداری فرزندان در خانواده‌ها با الگوی عملگرایانه (با میانگین ۴۸,۱۱) از همه قوی‌تر می‌باشد. همچنین لازم به ذکر است میزان دینداری فرزندان در خانواده با الگوی اقتدار منطقی (با میانگین ۴۳,۶۲) بیشتر از میزان دینداری فرزندان در خانواده با الگوی استبدادی (با میانگین ۳۸,۲۷) است.

ج) بررسی رابطه بین رفتار دینی والدین و فرزندان
برای بررسی این رابطه پس از در نظر گرفتن ملاحظات لازم (مثل طبیعی بودن توزیع متغیرها، کمی بودن مقیاس متغیرها و وجود رابطه خطی) از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن به قرار زیر است

جدول (۸): جدول ماتریس همبستگی رابطه بین رفتار دینی والدین با فرزندان

رفتار دینی والدین	رفتار دینی فرزندان	دینی
رفتار دینی والدین ضریب همبستگی	۱	۰,۳۳۳
سطح معنی‌داری		۰,۰۰۱
تعداد	۴۰۰	۴۰۰

۱	۰,۷۳۳	رفتار دینی فرزندان ضریب همبستگی
	۰,۰۰۱	سطح معنی داری
۴۰۰	۴۰۰	تعداد

نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، بین رفتار دینی والدین و فرزندان رابطه مثبت و معنی دار با شدت قوی وجود دارد. ($r = 0.733, P < 0.01$). به عبارت دیگر با افزایش میزان دینداری والدین، دینداری فرزندان نیز افزایش می‌یابد. با توجه به یافته‌های آزمون همبستگی که در جدول فوق ارائه شده است می‌توان فرضیه سوم این تحقیق را که بر وجود رابطه بین رفتار دینی والدین و فرزندان دلالت دارد، تأیید نمود.

رابطه بین محل سکونت با دینداری

نتایج حاصل از بررسی رابطه بین محل سکونت با دینداری گویای این است که میزان دینداری نوجوانان منطقه چهار بیشتر از سه منطقه دیگر است به نحوی که میزان دینداری ۱۱ درصد از نوجوانان این منطقه در حد ضعیف و در مقابل میزان دینداری ۵۹ درصد نیز در حد زیاد می‌باشد. البته میزان دینداری ۳۰ درصد نیز در حد متوسطی است.

جدول (۹) بررسی رابطه بین محل سکونت با دینداری

کل	غرب (منطقه ۱۸)	جنوب شرق (منطقه ۱۵)	شمال غرب (منطقه ۵)	شمال شرق (منطقه ۴)	منطقه دینداری	
					فراوانی	درصد
۹۲	۲۵	۲۶	۳۰	۱۱	فراوانی	ضعیف
۲۳	۲۵	۲۶	۳۰	۱۱	درصد	
۹۴	۳۱	۹	۲۴	۳۰	فراوانی	متوسط
۲۳,۵	۳۱	۹	۲۴	۳۰	درصد	
۲۱۴	۴۴	۶۵	۴۶	۵۹	فراوانی	قوی
۵۳,۵	۴۴	۶۵	۴۶	۵۹	درصد	
۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	فراوانی	کل
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	درصد	
۴۳,۴۹	۴۳,۸۲	۴۳,۳۲	۴۲,۳۰	۴۵,۵۰	میانگین	

نتیجه گیری

همانطور که اشاره گردید نحوه تعامل والدین با فرزندان می‌تواند بر رفتار فرزندان و شکل گیری شخصیت آنان تأثیر گذار باشد، با چنین پیش فرضی می‌توان گفت نظام تربیتی خانواده بر گرایش دینی فرزندان نیز نقش تعیین کننده‌ای خواهد داشت اما اینکه نوع و تیپ لوزی خانواده چه تأثیراتی بر دین داری نوجوانان خواهد داشت، هدفی است که مقاله حاضر آن را مورد آزمون قرار داده است. به این ترتیب نتایج حاصل از این آزمون گویای این است که به ترتیب الگوی‌های عملگرایانه (الگوپذیر) والدین با ۴۸,۱۱، الگوی اقتدار منطقی با ۴۳,۶۲، الگوی استبدادی با ۳۸,۲۷ و الگوی رهایی با ۳۰,۱۱ بیشترین تا کمترین تأثیر را بر دینداری نوجوانان داشته است. بنابر این نتایج فرضیات و رابطه معنی داری بین الگوهای چهارگانه تربیتی خانواده با دینداری نوجوانان را تأیید می‌کند.

- الگوی عملگرایی و تأثیر شدید آن بر دین داری نوجوانان را می‌توان متأثر از نقش و جایگاه تقلید (به عنوان فرایند اجتماعی شدن) و به تبع آن جامعه پذیری افراد دانست، در دورانی که کودکان از ذهنی نیمه هوشیاری برخوردارند می‌توان بسیاری از رفتارها از جمله رفتار و اعمال دینی را نهادینه کرد. به همین جهت می‌توان از تقلید به عنوان ابزاری کارآمد در راستای هویت بخشی دینی و تحقق اهداف تربیتی و دین داری نوجوانان استفاده کرد به شرط آن که این ابزار به عاملی برای دوری از عقلانیت و بصیرت و مانع پرسش‌گری نوجوانان و جوانان در جامعه نشود، بنابر این بحث تقلید مثبت و سازنده از الگوهای اندیشه‌ای و رفتاری است که دین داری و تربیت اسلامی را تثبیت و ته نشست می‌کند و فرهنگ صحیح اسلامی را به دور از شعار زدگی با رویکردی عمگرایانه به نسل‌های دیگر منتقل می‌سازد.

- الگوی اقتدار منطقی به عنوان دومین متغیر تأثیر گذار را می‌توان عامل تکمیل کننده دوران تقلید و هویت بخشی دینی دانست. الگوی اقتدار منطقی با عبور از مرحله حس و مشاهده (تقلید) با عقلانی و منطقی‌تر کردن رفتار و قدرت توجیه‌کنندگی خود می‌تواند مبنای نظری معقولی برای رفتارها از جمله دین داری نوجوانان را فراهم سازد. اینکه والدین رفتار و گرایش دینی کودکانشان را به وسیله ابراز کلامی و فکری حمایت می‌کنند و بین انتظارشان با توانایی کودکان تناسب برقرار می‌کنند می‌تواند موجب دین داری همراه با بصیرت و عقلانیت را برای

نوجوانان به ارمغان آورد. ضمن اینکه به نظر می‌رسد امروزه ازادی‌های فردی انچنان افزایش یافته است که هر نهاد و یا گروه یا سیستمی که بخواهد چیزی را بر نسل جدید تحمیل کند کار ساز نخواهد بود تنها ایجاد انگیزه و توجیه سازی کارسازترین است. والدین مسئول و معقول فرزندان خود را به ارزش‌ها و آداب نیکو آشنا می‌کنند و آنان را به آداب حسنه مؤدب می‌سازند.^۱

- برخلاف دو الگوی مورد اشاره که به‌طور مستقیم بر گرایش و میزان دین دینداری نوجوانان تأثیر گذر بودند، دو الگوی دیگر یعنی الگوی استبدادی و رهایی تأثیر معنی دار اما معکوس داشته‌اند، به این معنی که با اعمال الگوی رهایی و آزادگذاری کمترین تأثیر را بر افزایش دینداری خواهد گذاشت نکته قابل تأمل اینکه بر خلاف انتظار الگوی آزادگذاری نسبت به استبدادی تأثیر بیشتری بر کاهش دین داری داشته است و این بیانگر این است که دو الگوی استبدادی و رهایی به عنوان دو موضع افراط و تفریط نسبت به آگوه‌های دیگر کمترین تأثیر را بر افزایش دینداری داشتند. ضمن اینکه در اسلام نیز دستور داده شده است که والدین آداب و رسوم خود را بر فرزندان تحمیل نکنند.^۲ الگوی آزادگذاری نیز در شرائط فعلی که نوجوانان با گزینه‌های، متنوع، و گاه متضاد و عمدتاً در تعارض با ارزش‌های دینی مواجه شده‌اند می‌تواند دین داری نوجوانان را با تردید و یا خطر مواجه سازد.

بنابر این اگر الگوی اقتدار منطقی که ترکیبی از کنترل، حمایت عاطفی و عقلانیت شامل می‌شود، با الگوی عملگرایی والدین همراه شود می‌تواند بهترین و موثرترین شیوه تربیتی دینی نوجوانان بشمار آید. و به استناد داده‌ها بدترین شیوه و الگوی تربیتی شیوه رهایی و آزادگذاری افراطی است که باید همواره از آن اجتناب کرد. بهره‌مندی از الگوی مؤثر و کارآمد قبل از هر چیز مستلزم تربیت و آگاهی بخشی به والدین در جهت تقویت الگوی اقتدار منطقی و عمگرایی در خانواده به عنوان متغیر مستقل و اعمال آن بر تربیت دینی نوجوانان است.

پیشنهادهای و توصیه‌ها

نهاد خانواده در جهان معاصر دچار چالش‌های فراوانی شده است. از جمله این چالش‌ها می‌توان به نظام تربیتی خانواده اشاره کرد. کاهش اقتدار والدین، کنترل ناپذیری جوانان، تفاوت

۱. امام سجاد (ع)، (آنک مسئول عما ولیته من حسن الادب).

۲. (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۲۶۷).

و یا شکاف نسلی، تغییر نگرش جوانان نسبت به زندگی، گسترش الگوهای تربیتی خارج از نهاد خانواده از جمله مسائلی است که خانواده امروزی با آن مواجه است. آسیب شناسی تربیتی خانواده را می‌توان در زمینه‌ها و حوزه‌های آموزش، اقتصاد و فرهنگ مورد بررسی قرار داد.

الف) رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از اجزای نظام فرهنگی و آموزشی کشور، امروزه رقیب کارکرد تربیتی خانواده و یکی از بزرگ‌ترین منابع اطلاع‌رسانی و آموزشی به شمار می‌روند. استفاده از فن آوری‌های نوین رسانه‌ای به دلیل شتابی که به زندگی می‌دهند و شرایطی که برای شیوه ارتباط نوجوانان ایجاد می‌کنند، آثار عمیقی در روابط خانوادگی و اجتماعی افراد دارند. رسانه‌های جمعی می‌بایست ضمن توجه به منابع درون دینی و تعامل خود با کارشناسان دینی حوزه و دانشگاه، پاسخ‌گوی مطالبات نسل جدید و متناسب با نیازهای آنان برنامه ریزی و فعالیت کنند. و زمینه را برای نقش بیشتر والدین با فرزندان و گسترش روابط چهره به چهره باز کنند.

ب) نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور که عمده‌تأ هماهنگ با آموزه‌های مدرن و وارداتی است، در صورتی که از استعدادها و ظرفیت‌های فکری و بومی جامعه غفلت کند، می‌تواند موجبات سبک زندگی جدیدی را فراهم سازد، که خواسته و ناخواسته نهاد خانواده را به حاشیه رانده و در فرایند تعارض و تضاد بین فرزندان و والدین شکاف بیشتری ایجاد کند. لذا در این زمینه موضوع تعامل و هماهنگی بین نهاد خانواده و نهاد آموزش و پرورش دارای اهمیت است.

ج) نظام اقتصادی، حوزه اقتصادی در جامعه در بحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری آن‌چنان‌که باید جهت حمایت از خانواده عمل نمی‌کند. در خانواده متعادل اسلامی، اشتغال زنان با همه اهمیت‌هایی که دارد در برابر وظایف اصلی آنها به عنوان مادر و همسر و محور عاطفی خانواده، نقشی فرعی به شمار می‌رود. نظام اقتصادی باید متناسب با شرایط آنها فرصت شغلی ویژه‌ای را فراهم کند. و برای مردان نیز تسهیلاتی را فراهم سازد تا آنها بتوانند بدون اضطراب و نگرانی اوقات بیشتری را در خانواده و در کنار فرزندان سپری کنند.

بنابر این رسانه‌های جمعی، نهادهای آموزشی، همچنین برنامه ریزان اجتماعی و اقتصادی می‌بایست، اولاً: والدین را نسبت به اهمیت و نقشی که آنان در خانواده و تربیت فرزندان خود

دارند آگاه سازند، ثانیاً: در ترویج الگوی تربیت منطقی و در مقابل توجه آنان به آسیب‌های ناشی از الگوی تربیتی استبدادی تلاش بیشتری از خود نشان دهند و در نهایت با شیوه‌های تبلیغی جذاب و منعطف‌تر فضای عاطفی، عشق و محبت را به خانه و خانواده برگردانند.

منابع

- آروین جی. ساراسون (۲۰۰۵). روانشناسی مرضی. ترجمه بهمن نجاریان و همکاران (۱۳۹۰)، انتشارات رشد، تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی خانواده/ ایرانی*، انتشارات سمت.
- آقا محمدی، جواد، (۱۳۹۲)، *نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان*، پژوهشنامه تربیت، سال اول تابستان شماره ۲
- ابن ابی الحدید (بی تا) شرح نهج البلاغه، موسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر و التوزیع احدی، حسن و جمهری، فرهاد، (۱۳۸۰)، *روان‌شناسی رشد*، تهران، نشر پردیس.
- احمدی، حسن (۱۳۸۸) مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزندپروری، روزنامه آفرینش
- ارون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- اعزازی شهلا، (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی خانواده در دوران معاصر*. انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بابایی، علی (بی تا)، *بررسی نقش والدین در مسئولیت‌پذیری جوانان* (مقاله در دست چاپ).
- باقر، حبیب و دیگران (۱۳۶۸)، *بررسی میزان دینداری بر رضایت از زندگی زناشویی*، فصلنامه روان‌شناسی نظامی - دانشگاه امام حسین (ع) باهمکاری انجمن روان‌شناسی نظامی - علمی پژوهشی سال ۱ شماره ۱
- برک، لورای، (۱۳۸۲)، *روان‌شناسی رشد*، جلد دوم، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران، نشر ارسباران.
- بکفورد، جیمز آرتور، (۱۳۸۸)، *دین و جامعه صنعتی پیشرفته*، ترجمه فاطمه گلابی.
- پرچم، اعظم و دیگران، (۱۳۹۱)، *مقایسه سبکهای فرزند پروری بامرند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام*، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی سال ۲۰ دوره جدید، شماره ۱۴.
- پی یربوردیو، (۱۳۸۹)، *تمایز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: انتشارات ثالث، ۱۳۸۹.
- تامس موری هانس، (بی‌تا)، *نظریه‌های نوین تحول/ انسان*، ترجمه حامد برآبادی، نشر نی، چاپ اول،
- تامسون، کنت (۱۳۸۷)، *دین و ساختار/ اجتماعی*، ترجمه علی بهرامپور / حسن پور انتشارات کویر.
- تبریزی، محسن (۱۳۷۹)، *مقدمات جامعه‌شناسی*، نشر دوران.

- توسلی (۱۳۸۰)، جامعه شناسی دین، تهران، نشر سخن.
- ثریا محمدی (۱۳۸۴)، بررسی ارتباط بین الگوهای تربیتی خانواده با اعتیاد، (طرح تحقیقاتی) مرکز آموزشی و پژوهشی سوء مصرف مواد.
- جمشید بهنام (۱۳۸۳)، تحولات خانواده، نشر ماهی
- حافظ نیا، م، ر (۱۳۸۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، انتشارات سمت، تهران، چاپ هشتم
- حمیدرضا شاکرین، (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ج سوم، قم، معارف،
- خاکی، غ، ر (۱۳۷۸). روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی، کانون فرهنگی انتشارات داریت، تهران، چاپ دوم
- دیوید چیل (۱۳۸۸)، خانواده در دنیای امروز، ترجمه محمد مهدی لبیبی، نشر افکار
- روشه، گی (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی عمومی، ترجمه، هما زنجانی زاده، انتشارات سمت.
- زرین کلک، حمید رضا و برزوقی، سعید، (۱۳۹۱)، رابطه سبک دلبستگی و شیوه‌های والدگری ادراک شده با تجربیت معنوی و اعمال مذهبی، روانشناسی تحولی، سال هشتم شماره ۳۱.
- ژان پل، (۱۳۷۷)، جامعه شناسی ادیان، ترجمه عبدالکریم گواهی نشر تبیان.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، جلد دوم، چاپ سوم.
- سجادی، مژگان (۱۳۹۲)، مقایسه پرخاشگری با سبک‌های فرزند پروری، مجله علمی سازمان نظام پزشکی، دوره ۳۱ ش ۴.
- سراج‌زاده، حسین (۱۳۸۴)، چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن، تهران، طرح نو
- سفیری، خدیجه (۱۳۹۳)، خانواده در قرن بیست و یکم، انتشارات علمی
- شجاعی زند، علیرضا، (۱۳۸۱)، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، تهران: باز.
- شجاعی زند، علی رضا، (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین داری در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره
- شرفی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، جوان و بحران هویت، تهران، انتشارات سروش
- شیرازی، صیاد، (۱۳۸۳)، رابطه میان سبک‌های فرزند پروری والدین با شکل‌گیری نوع هویت مذهبی نوجوانان، پایان نامه ارشد مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی
- صانعی، پرویز، (۱۳۴۴)، قانون و شخصیت، انتشارات دانشگاه تهران.
- طالبان، محمد رضا، (۱۳۸۲)، افول دین داری و معنویت در ایران: توهم یا واقعیت، روش شناسی علوم انسانی، شماره ۳۵

- طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، تفسیر المیزان، قم، اسماعیلیان، ج ۱۶.
- عبدی، عباس، (۱۳۹۳)، مقدمه‌ی بر پژوهش در جامعه‌شناسی خانواده در ایران، نشر نی
- فرستخواه، مسعود، (۱۳۷۴)، *جامعه ایران: سکولاریته، سکولار شدن،* مجله چشم انداز ایران، ش ۷۴، تیر و مرداد.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات جامعه و فرهنگ*، ترجمه احمد علیقیان و... طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی
- منصور، محمود و دادستان، پریخ، (۱۳۷۶)، *روان‌شناسی ژنتیک*، تهران، انتشارات رشد.
- میمندی، حاجی زاده، (۱۳۸۹) *همگامی مشترک در خانواده و دین داری جوانان شهر یزد*، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳،
- نجفی، محمود (۱۳۸۵)، *بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت*، نشریه دانشور، دوره ۱۳، شماره ۱۶ ویژه روان‌شناسی
- نوربخش (۱۳۹۲)، متن مصاحبه، www.shafaqna.com/persian
- نوربخش، (۱۳۹۲)، تأثیر انواع رسانه‌ها بر دین داری دانشجویان دانشگاه‌ها، مدیریت در دانشگاه اسلامی ۵، سال دوم، شماره ۱.
- نولان پاتریک و گرهارد لسنکی، (۱۳۸۰)، *جامعه‌های انسانی*، ترجمه ناصر موفقیان، نشر نی.
- نیکو. آر. کدی. *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم، ۱۳۶۹، ص ۲۴۳
- ورن ل، بنگستون، (۱۳۹۳)، *دایره العارف خانواده (نظریه‌ها و روش‌ها)* ترجمه، شکریگی، عالی، نشر جامعه‌شناسان.
- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۶۸.
- یونگ، ک، (۱۳۷۷)، *روانشناسی دین*، ترجمه سروری، تهران انتشارات سخن.

- Baumrind D. (1992). Effective parenting during the early adolescent transition in
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11(1), 56-95.
- Beit- hallahmi, Benjamin & Michael Argyle (1977) the psychology of religions behavior, Belief and Experience, London & New York Routledge.

- Bruce Hunsberger, Mihalepratt, and S. Mark pance (2001) Adolescent identity Formation: Religious exploration and commitment. An Internadional Journal of Theory and Reserch. 1(4).
- Deason, David Momoroe (1998) a systematic Look at the self: the Relationship between Family organization interpersonal attachment and identity. Journol of social Behavior &Personality. Vol 13 (3), 465- 397.
- Diaz Y. (2005). Association between parenting and child behavior problems among Latinomothers and children. Unpublished Master Thesis, University of Maryland, Maryland. Disabliities. The Internet Journal of Mental Health, 1(2):48- 61.
- Elahe Hejazi moughari, Mehrnaz Shahraray, Masomeh Farsinejad, Ali Asgary, identity styles and academic achievement mediating role of academic self - efficacy, Social Psychology of Education, 2009, 12, 123- 135. (Persian).
- Farzad, Mehdi, ET Jorge de la Barre, (1990), L'interactionismedans la sall de classejalons pour le travail de terrain enmilienscolaire. In: pratique de formation no 20, December, pp. 93- 104
- Harrison. P.m" (1959) "Authority and power in the free Church Tradition" (Princeton, N. j: Princeton University pres) Robert.
- Himmefarb, Harold S. (1975) Measuring religious involvement" social Forces Vol. 53 No. 4:606- 618.
- Jones, J.w. (2002). Terror and transformaiton: the ambiguity of religion in psychoanalytic perspective. London: psychology press.
- Lenski, Gerhard. (1961) the religious factor: a sociological study of religion s impact on politisics, economics and family life, gardencity: doubeday&company, Inc
- MillsdalenJ: Erlbaum
- Scarr, s (1992), development theories for the 1990s: "Development and individual difrent". Child Development, 63.1- 19.
- Stark Rodney &Chales Glock (1970) Amarican piety: "The Nahure of Religious Commitment". University of California press